**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و سیزدهم\_17 خرداد 1399**

اگر بخواهیم به همه ظنون حکم جواز عمل بدهیم و تعمیمی را قائل شویم، باید مرجحات را لبعض الظنون علی بعضها الاخر باطل کنیم.

دو مرجح را بیان کردیم. مرجح سوم این است که بعض از ظنون خود مزیتی داشته باشد و آن این که مظنون الحجیة باشد، این یعنی چه؟

مرحوم شیخ اعظم قدس الله نفسه الزکیة در صفحۀ 473 دو وجه برای این مظنون الحجیة بودن بعضی از این ظنون به نسبت به باقی بیان می فرمایند:

1. اما لکونه (بعض الظنون) اقرب الی الحجیة من غیره

چرا مظنون الحجیة است؟ معنای مظنون الحجة بودنش چیست؟ می فرماید چون نسبت به حجیت از دیگر ظنون جلوتر هست. اقرب هست. در این جا هم اذا دار الامر بین الظن الاقرب الی الحجیة و الظن الابعد الی الحجیة، درست است به صورت مهمله گفتیم از الظن حجةٌ، اما به حکم عقل می گوییم الظنُ اقرب الی الحجیة اولی من الظن الابعد عن الحجیة.

این وجه اول.

1. و اما لانّه اقرب الی احراز مصلحة الواقع.

ما که نباید فراموش کنیم واقعی داریم و نسبت به آن واقع بلا تکلیف محض نیستیم، بالاخره به نحوی آن واقع گریبانگیر ماست البته تا حدی، ولی بالاخره نمی توان خود را نسبت به واقع بی تحد دانست. خب حالا اگر امر دائر شد بین دو مظنه، یک مظنه ایی که نسبت به احراز مصلحت واقع اقرب است، دوم ظنی که نسبت به احراز مصلحا واقع ابعد از آن ظن اول است در حقیقت، ظن اول یک امتیاز دارد، یک رجحان دارد و ان رجحان اقربیت مطابقت این ظن الف با واقع است.

در حقیقت دو نکته در این ظن الف نهفته است یکی این که از خانوادۀ امارات مفیدۀ للظن بالواقع است مثل آن بقیۀ ظنون. دوم این که امتیازی دارد و آن این که بدل از واقع هم قرار می گیرد به گونه ایی که اگر من به واقع نرسیدم، مخالفت با واقع کردم، فوت مصلحت واقع تدارک می شود، حالا امر من دائر است بین دو مظنه، مظنه الف، اماره ایی است که هم مفید ظن به واقع است، هم احتمال تدارک واقع با این مظنه اقوی است، و اقرب است، و ظن باء و ان ظنی است که تنها امتیازش این است که از خانوادۀ امارات مفیدۀ للظن بالواقع است، بدون این که اقربیتی داشته باشد الی احراز مصلحت الواقع، بدون این که در آن قوی باشد احتمال تدارک، طبیعتا در چنین جایی اگر امر من دائر شد بین ظن الف و ظن باء، ظن الف مظنون الحجیة می شود لانه اقرب الی احراز مصلحة الواقع و ظن الف اولی می شود، ارجح می شود از ظن باء.

در ظن الف شما باید هم بپذیرید که این اماره مخالف با واقع است، چون ظن به موافقت با واقعش دارید، مخالفت با واقعش موهوم است، دوم این ظن الف مظنون الحجیة است یعنی تدارک کننده است ظناً. بدل است ظناً. اگر بخواهی بدلیت آن را، ارجحیت آن را، اقربیت آن را به حجیت ملاحظه کنی، پس احتمال عدم بدل بودن، احتمال عدم تدارک می وشد موهوم آن طرف مظنون است، دو تا موهوم دارید در این ظن مظنون الحجیة. یک وهم مخالفت با واقع است، یک وهم عدم بدلیت. این جا که وهم فی وهم، موهومٌ فی موهوم، طرف مقابل این ظن، اولی است از ان ظنی که فقط مخالفت با واقع در ان موهوم است، این جا در ظن الف مخالف دو موهوم است اما در ظن باء، یعنی ظن مرجوح مخالف یک موهوم است. طبیعتا ظن الف که احتمال خلاف در ان موهومٌ فی موهومٍ هست، ارجح است از ان ظنی که فقط احتمال مخالفت با واقعش موهوم است، و در آن ظن باء اساساً مسالۀ بدلیت از واقع مطرح نیست.

شیخ اعظم برای این که این ترجیح ظن الف را بر ظن باء را بهتر بیان کند، مثالی می زند، تنظیری می کند:

و نظیر ذلک: ما لو تعلق غرض المریض بدواء تعذر الاطلاع العلمی علیه،(انسداد)

ما بیماری داریم داروی الف برای او تجویز شده است اما این داروی الف کدام است از این گیاهان، از این ادویه؟ نمی دانیم نه علم دارم و نه علمی که این داروی این بیماری کدام است.

فدار الامر بین دوائین، أحدهما یظن کونه ذلک الدواء و علی تقدیر کونه غیره یظن کونه بدلا عنه فی جمیع الخواص.

و الاخر یظن أنه ذلک الدواء، لکن لا یظن أنه علی تقدیر المخالفة بدل عنه و معلوم بالضرورة أن العمل بالاول أولی.

مثال ذلک، دکتر به من گفت داروی تو اسمش الف است، اطلاعی ندارم از چند و چون این داروی الف یقینا که کدام است، به این می گویند یا به آن یا به چیز دیگری. دو تا دارو هست، یکی از این دو دارو، دو مزیت دارد، دو خصویت دارد. الخصوصیة الاولی، ظن به این دارم که این این همان داروی الف است، 80 درصد، 70 درصد، ظن به این دارم که این همان است ولی یقین ندارم، حجت هم ندارم، انسداد است. مزیت دوم این که ظن به این دارم که این دارو اگر هم ان داروی الف نباشد بدل از آن هست، حال این دارو را بخورم که دو تا 70 درصد درش احتمال می دهم، یک 70 درصد که این همان داروی الف است و یک 70 درصد هم این که اگر این، آن نباشد، بدل از آن هست. اما یک داروی دیگر هم این جا هست که فقط 70 درصد احتمال می دهم این همان داروی اصلی من است اما نسبت به بدلیت این دارو، از آن داروی اولیه، ظنی در کار نیست. خب این جا که دستمان از علم و علمی نسبت به داروی الف کوتاه است، نوبت رسیده است به داروی اول و دوم، معلوم است که داروی اول، اولی است از داروی دوم.

این ها ترجیحات، حالا باید باز در تکملۀ این ترجیحات مطلب شیخ را دقت کرد بعدا ببینیم این ترجیحات درست یا نه.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.